

مقایسه اندرزنامه طاهر ذوالیمینین با نامه امام علی (ع) به مالک اشتر

سید ابوالفضل موسوی فرد^۱
حسن صادقی سمرجانی^۲

چکیده

در تاریخ اسلام سیاست نامه‌ها و نامه‌های سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. چنانکه بین سه قرن اولیه هجرت نامه‌های بسیار مشهوری در این خصوص توسط امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر نخعی و طاهر بن حسین (ذوالیمینین) سردار معروف دولت عباسی به فرزندش عبدالله به نگارش در آمد. در این مقاله سعی شده این دو نامه که هر کدام به مثابه‌ی نماینده شیوه‌های آداب ملک‌داری و نوع حکومت‌داری دو دولت علوی و خلفای عباسی است مورد مقایسه قرار گیرند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نامه‌ی امام علی (ع) از وسعت دید جامعه‌شناختی بیشتری برخوردار بوده زیرا برخی از اقشار اجتماعی مورد نگاه تیزبین آن حضرت قرار گرفته که در نامه‌ی طاهر اصلاً بدان اشاره نشده است. در اندیشه‌ی امیر مؤمنان (ع) خدمت کارگزار، ضمن اجرای عدالت، برای جلب رضایت خداوند است. درحالی‌که در نامه نماینده‌ی دولت عباسی فقط رضایت خلیفه شرط اصلی زمامداری بر مردم است. گرچه شباهت‌هایی بین دو نامه در نوع مشورت با افراد و کنترل کارگزاران مشاهده می‌شود.

کلیدواژه‌ها

علی (ع)، مأمون، طاهر ذوالیمینین، عبدالله بن طاهر، علوی، عباسی.

۱. استادیار دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول) - a.mousavifard@hsu.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه حکیم سبزواری - sadeghi133085@yahoo.com

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۰۶/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۳/۰۶

مقدمه

در تاریخ ایران و اسلام گاهی اندیشه‌های سیاسی و آداب ملک‌داری از سوی نخبگان در قالب اندرنامه‌ها و نامه‌های پندآموز سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و مدیریتی به رشته‌ی تحریر در می‌آمدند که تأثیرات شگرفی در حیات سیاسی و اجتماعی مردم و حکومت‌ها از خود به جا می‌گذاشتند. از مجموع این نامه‌ها، نامه‌ی امیرمؤمنان علی ابن ابی طالب (ع) به مالک اشتر^۱ (سردار نامی آن حضرت) و نامه‌ی علی بن الحسین طاهرذوالیمینین به فرزندش عبدالله در عصر حکومت مأمون خلیفه‌ی عباسی (حک. ۱۹۸-۲۱۸ق/۸۶۳-۸۸۳م) (طقوش، ۱۳۸۷، ۱۳۱) از دیگران مشهورترند... این نامه در زمانی نوشته شد که طاهر بن حسین^۲ حکومت خراسان (۲۰۵ تا ۲۰۷ق/۸۲۵ تا ۸۲۷ م) (اکبری، ۱۳۸۴، ۱۷۵) را در اختیار داشته است.

در این مقاله تلاش گردیده بنا بر اهمیتی که این دو نامه در دوران نگارش و بعد از خود داشته‌اند مورد مقایسه و تحلیل و بررسی قرار گیرند. نکته‌ی قابل توجه آن است که این دو نامه گرچه به لحاظ زمانی با یکدیگر اختلاف دارند ولی به لحاظ تاریخی از شباهت‌هایی برخوردارند. از جمله: الف. هم مالک اشتر و هم عبدالله بن طاهر زمانی این نامه‌ها به آن‌ها نوشته شده که هر دو حاکم سرزمین مصر بوده‌اند. ب. هر دو بعد از یک دوره کشمکش و بحران سیاسی در مصر جهت تأمین امنیت به آن منطقه اعزام گردیده‌اند.^۳ ج. هر دو نامه، الگوی شیوه‌ی ملک‌داری بعد از خود قرار گرفتند. چنان که مأمون دستور داد تا نسخه‌های فراوانی از آن (نامه طاهر) استتساخ کنند و به سوی همه‌ی کارگزاران بفرستند تا از آن پیروی کنند و آن را الگویی برای حکومت داری خود قرار دهند. (ابن خلدون، ۱۳۴۵،

۱. نسب او مالک ابن حارث ابن عبدیعوث بن مسلمه بن ربیبه بن خزیمه بن سعد بن مالک بن نخع بن عمرو بن خالد بن مالک بن ادد بوده است. (ابن ابی الحدید، بی تا، ۳۱۲/۶)

۲. نسب او طاهر بن حسین ابن مصعب ابن ازرق (گننام، ۱۳۷۳، ۸۶)

۳. مالک اشتر بعد از یک دوره نا آرامی در طی حکومت محمد ابن ابی بکر در سال ۳۸ ه. ق به مصر اعزام گردید و همچنین عبدالله ابن طاهر در سال ۲۰۶ برای سرکوبی نصر ابن شیبث به آن منطقه مأموریت یافت. (برای اعزام مالک به مصر ر. ک: لسان الملک، ۱۳۹۶، ۲۹۴/۳؛ و حرکت عبدالله به رقه و مصر ر. ک: گننام، ۱۴۱۵ق، ۲۸۳۹)

مقدمه، ۶۰۷) چنان که نامه ۵۳ علی (ع) یکی از بهترین منشورها و الگوهای حکومتی در طول تاریخ برای شیعیان به شمار رفته است.

با اینکه تفاوت‌هایی بین این دو از نظر تاریخی وجود داشته از جمله اینکه استاندار امام علی (ع) فرصتی پیدا نکرد تا خواسته‌های ایشان را جامه‌ی عمل بپوشاند و قبل از ورود به مصر در منطقه قلزم بوسیله شخصی به نام جایستار به تحریک معاویه مسموم و به شهادت رسید. (طبری، بی تا، ۶/۲۶۲۲؛ ثقفی کوفی، ۱۳۵۸، ۱/۲۶۳؛ ذاکری، ۱۳۷۵، ۲) ولی عبدالله بن طاهر که بعد از مرگ یحیی بن معاذ، عامل استان جزیره، از سوی مأمون به آن منطقه فرستاده شد از سوی خلیفه منطقه‌ی مصر به حکومت او ملزم گردید. او به مدت شش سال (۲۰۶ تا ۲۱۲ ق/۸۲۱ تا ۸۲۷ م) در آن سرزمین اقامت کرد. (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ۱۳۴۵، ۲/۴۵۸؛ اکبری، ۱۳۸۴، ۱۸۲؛ ابن طیفور، ۱۹۶۸، ۱۸)

دیگر اینکه به لحاظ محتوی گرچه در متن دو نامه شباهت‌هایی پیرامون شیوه کار دیده می‌شود و حتی این شبهه وجود دارد که احتمالاً طاهر از نامه‌ی امام علی (ع) اطلاع داشته و از آن الگو گرفته است، ولی علی‌رغم آن، در متن این دو، اختلاف فکری بین نمایندگان (تفکر علوی و تفکر عباسی) کاملاً مشهود است. برای نمونه، نامه امام علی (ع) از وسعت نظر، استحکام و استواری بیشتری نسبت به نامه‌ی طاهر برخوردار است. همچنین بسیاری از مطالب درباره‌ی اداره‌ی بخش‌هایی از حکومت در نامه‌ی امام اول شیعیان (ع) به مالک آمده، که در نامه طاهر به فرزندش به آن پرداخته نشده است.

در این مقاله نظر به اهمیت این دو مکتوب ارزشمند، سعی شده مقایسه‌ای بین آنان انجام گیرد و نیز اختلافات و شباهت‌های آن بررسی شده و ضمناً در صورت امکان شاخص‌های نامه امام علی (ع) به سردار نامی خود مورد توجه قرار گیرد.

اصلی‌ترین محورهای بحث در هر دو نامه عبارت است از:

۱. اطاعت از خداوند و ضرورت عبرت‌گیری از گذشتگان

ضرورت اطاعت از خداوند و ترس از رستاخیز در سر آغاز هر دو دستورنامه مورد تأکید قرار گرفته که معمولاً در ابتدای مکاتبات و نامه‌های اداری لحاظ می‌شده

است. عبرت‌گیری از گذشتگان به‌ویژه زمامداران، یکی از مسائلی است که در اسلام همیشه مورد توجه بوده است. قرآن کریم در آیات متعددی، مطالعه‌ی سرگذشت آدمیان و اعمال امت‌ها و علل سقوط آن‌ها را جهت تشویق به تحصیل تجربه و عبرت‌آموزی توصیه نموده است. (هود: ۱۲۰، ۱۰۰؛ آل عمران: ۱۴۰) بر این اساس امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر تأکیدی مضاعف به عبرت‌گیری از پادشاهان گذشته می‌نماید و با هوشیاری به مالک می‌فرماید: همانطور که روش پادشاهان گذشته مایه عبرت توست، مواظب باش که همان قضاوت را در آینده درباره تو خواهند کرد. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳) او هشدار می‌دهد همانطور که برخی از حاکمان گذشته با رفتار نادرست خود نام نیکی از خود به یادگار نگذاشته‌اند، مراقب رفتار خود باشد تا به سرنوشت آنان دچار نشود. مشابه این مطلب را طاهر خطاب به پسر خود تذکر می‌دهد: از کارهای دنیا که می‌بینی در آن صاحبان قدرت، سران و اقوامی که در قرون گذشته نابود شده و پیش از تو رفته‌اند عبرت بگیر. (طبری، بی تا، ۵۷۰۳/۶)

۲. ضرورت توجه و خدمت به مردم

از مجموع هر دو نامه می‌توان دریافت که خدمت به مردم در راستای اطاعت از خداوند قرار گرفته است. طاهر می‌نویسد: خدا به تو نیکی کرده که کار بندگان شامل اجرای حق، حدود، دفاع از آن‌ها و تأمین رفاه معاششان را به تو واگذار کرده و تأکید می‌کند که خداوند در جهان آخرت نسبت به این امور، تو را مؤاخذه خواهد کرد و بر اعمال گذشته و آینده‌ات در این باب ثواب می‌دهد. بنابراین، هیچ چیز تو را از غفلت از آن باز ندارد و از آن مشغول ندارد که سرّ کار و مقیاس اعتبار و نخستین چیزی که خدایت به وسیله آن به هدایت خویش می‌رساند همین است. (همانجا)

امام علی (ع) با کلامی رساتر و استدلالی‌تر تأکید می‌کند که استاندار وی مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار دهد و با همه دوست و مهربان باشد. آن حضرت با ظرافت بیان می‌کند که خداوند مردم را وسیله آزمودن تو قرار داده است. بنابراین، به وسیله ظلم به مردم با خدا ستیز مکن که تو را از کیفر او نجاتی نیست و از رحمت و بخشش او بی نیاز نخواهی بود.

مزیت فرمان امام علی (ع) در خدمت به مردم نسبت به طاهر این است که وی دلیل این خدمت‌گزاری را آزمایش الهی در این جهان می‌داند؛ درحالی‌که به نظر طاهر خدمت به مردم فقط اجر اخروی برای فرزندش دارد. ضمناً امام علی (ع) آزادی عمل بیشتری به والی خود، نسبت به حکومت مرکزی می‌دهد. امام علی (ع) به مالک در خدمت به مردم می‌نویسد: «به مردم نگو به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم پس باید اطاعت شود، که این‌گونه خودبزرگ‌بینی دل را فاسد و دین را پژمرده و موجب زوال نعمت است». (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳) این در حالی‌که در نامه طاهر به عبدالله هرگز این مطلب به چشم نمی‌خورد. استاندار مصر مجبور به اطاعت محض و بی‌چون و چرا از خلیفه است.

در این راستا امام علی (ع) سفارش می‌کند: دوستی با مردم دوستی با خداوند و دشمنی با مردم باعث دشمنی خداوند با حاکم است. با خدا، مردم، با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری انصاف را رعایت کن که اگر چنین نکنی ستم روا داشتی و کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خداوند به جای بندگانش دشمن او خواهد بود. پس دوست داشتن خیرها در نزد تو میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد. تفاوت دیدگاه امام علی (ع) با علی ابن الحسین (طاهر) در آن است که حاکم خراسان فقط برای خدمت به مردم ثواب فردی قائل است در حالی که حضرت علی (ع) اصالت را به مردم در امور دین، دنیا و حکومت می‌دهد؛ زیرا آنان ستون‌های استوار دین، اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی عمومی می‌باشند. به دلیل همین اهمیت، امام علی (ع) یکی از وظایف مهم حاکم را پوشاندن عیب مردم می‌داند. (همانجا)

۳. تأکید بر اهمیت مشورت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی

یکی از شاخص‌های مدیریت، جایگاه مشورت در اداره جامعه است. در نامه امام علی (ع) و طاهر، هر دو بر جایگاه مشورت تأکید ویژه‌ای شده که حاکم باید در امور با دانشوران مجالست داشته و با آنان مشورت کند. طاهر شاخص‌ترین امتیازات مشورت‌کنندگان را آن می‌داند که طرف مشاوره از چنان شجاعتی برخوردار باشد که هیبت حاکم مانع گفتن عیب به او نشود (طبری، بی‌تا، ۵۷۰۳/۶) درحالی‌که

امام علی (ع) در شاخص‌های مشورت‌کنندگان بر چند مورد تأکید مضاعف دارد که حاکم عباسی بدان توجهی نکرده است. از دیدگاه امام (ع) شخص مشورت‌کننده نباید بخیل، ترسو، حریص باشد، زیرا «بخل، ترس و حرص غرایز گوناگون هستند که ریشه در بدگمانی به خداوند بزرگ دارد.» (مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹، ۱۲۱/۳) همچنین آن حضرت تأکید دارد افرادی که با حاکمان ستمکار گذشته همکاری داشته‌اند به مشورت گرفته نشوند. در عوض به مشاوره با افرادی سفارش دارد که به گناهکاری یاری نرسانده‌اند، زیرا هزینه این‌گونه افراد بر حاکم سبک‌تر و یاری‌شان بهتر و مهربانی‌شان بیشتر و دوستی آنان با غیر از تو کمتر است. گرچه آن حضرت در یک مطلب با ذوالیمینین مشترك است و سفارش می‌کند: آن‌هایی را که در حق‌گویی از همه صریح‌ترند و در آنچه خداوند برای دوستانش نمی‌پسندد آن‌ها برای تو نمی‌پسندند، به عنوان مشاور انتخاب کند. آن حضرت ادامه می‌دهد تا می‌توانی با پرهیزکاران و راستگویان ببینند و آنان را چنان پرورش ده که تو را نستایند و تو را بر اعمال زشتی که انجام نداده‌ای تشویق نکنند. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳)

امام علی (ع) با تأکید فراوان به فرستاده خود می‌نویسد: با دانشمندان فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه‌ی آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی بوده که در گذشته نیز وجود داشته است. (همانجا)

امام علی (ع) مانند یک جامعه‌شناس، طبقات اجتماعی جامعه را تعریف کرده و آن‌ها را به گروه‌های مختلف تقسیم می‌کند. این در حالی است که، در نامه ارسالی به عبدالله چنین ضرورتی هرگز مشاهده نمی‌شود. این مطلب شناخت آن حضرت را از اجتماع و ریزبینی وی را بر شناسایی مردم نشان می‌دهد. او سعی می‌کند با بازگردن طبقات اجتماعی، مانند طیبیان ابتدا درد را مورد شناسایی قرار داده، سپس به علاج آن پردازد. زیرا به نظر وی رفع مشکلات حکومت و پیروزی آن بر رفتاری‌ها با اعتماد به مردم پیوستگی دارد. چنانکه می‌فرماید: بدان ای مالک هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد رعیت به والی بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست نمی‌دارند نمی‌باشد و در این راه آنقدر بکوش تا به وفاداری رعیت خوش‌بین شوی که این خوش‌بینی رنج طولانی مشکلات را از تو برمی‌دارد. (همانجا)

امام علی (ع) جامعه را به نه طبقه تقسیم می‌کند: ۱. نظامیان ۲. نویسندگان عمومی و خصوصی ۳. قضات دادگستر ۴. کارگزاران عدل و نظم اجتماعی ۵. جرمه دهندگان ۶. پرداخت کنندگان مالیات ۷. تجار و بازرگانان ۸. صاحبان صنعت و پیشه‌وران ۹. طبقات پایین جامعه. به نظر وی همه این طبقات به یکدیگر پیوسته‌اند و اصلاح هر یک، جز با دیگری امکان پذیر نیست. (همانجا) اما امیرخراسان فقط به چند دسته کوچک از طبقات اجتماعی شامل سپاهیان، قضات، مالیات‌دهندگان و طبقات پایین جامعه اشاره کرده و دیگر طبقات را که حلقه‌های متصل با یکدیگرند مورد غفلت قرار داده است.

۴. نظامیان

امام علی (ع) طبقه نظامیان را به طور مبسوط مورد بررسی قرار داده و از چگونگی انتخاب فرماندهان، نوع رابطه حاکم با افراد شایسته نظامی، شرایط فرماندهی و... بیاناتی گفته است؛ درحالی‌که طاهر در نامه‌ی خود هرگز به آن اشاره‌ای نکرده و علت این تفاوت، اندیشه و جایگاه فکری و سیاسی دو نویسنده است. امیر خراسان رسیدگی به سربازان و نظامیان را برای ایجاد آرامش و فقط اطاعت آنان از حاکم می‌داند. (طبری، بی تا، ۶/۵۶۹۹) درحالی‌که علی (ع) سپاهیان را لشکر خدا، به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت، زینت و وقار زمامداران، شکوه دین و راه تحقق امنیت کشور که امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد، قلمداد می‌کند. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳) اما طاهر به سپاهیان و نظامیان فقط با نگاه مادی نگریسته و از پسرش می‌خواهد که مقرری آن‌ها در زمان مشخص پرداخت شود و نسبت به آن‌ها گشاده دستی صورت دهد. (طبری، بی تا، ۶/۵۶۹۹) تا رضایت آنان را برای اجرای اهداف حکومت فراهم آورد. در صورتی که امیر مؤمنان علی (ع) ضمن پرداخت مقرری آن‌ها به طور منظم بیشتر بر جنبه‌های روانی، عاطفی و اخلاقی سربازان تکیه دارد و از مالک می‌خواهد آرزوی سپاهیان را برآورد، همواره از آنان ستایش کند و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند برشمارد. زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را برمی‌انگیزاند و ترسوها را به تلاش

وا می‌دارد. از او می‌خواهد که با يك ارزشیابی دقیق، رنج و تلاش هر يك از آنان را ارزشیابی کند و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری نگذاشته و ارزش خدمات رزمندگان را ناچیز نشمرد. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳)

۵. قضاوت

ظاهر مفاهیم زیبایی پیرامون قضاوت دارد. از نظر او قضاوت به نزد خدا اهمیتی دارد که هیچ چیز همانند او نیست. قضاوت میزان خداست که اوضاع زمین به وسیله آن تعادل می‌گیرد. به سبب عدالت در قضاوت و هم در عمل، رعیت سامان می‌گیرد، راه‌ها امن می‌شود، مظلوم انصاف می‌گیرد، مردم حق‌های خویش را می‌گیرند، معاش بهبود می‌یابد، حق اطاعت ادا می‌شود، خدا عافیت و سلامت می‌دهد، دین قوام می‌گیرد، سنت‌ها و تشریحات روان و حق عدالت در کار قضاوت مطابق آن انجام می‌شود. (طبری، بی تا، ۶/۵۷۰۰) امام علی (ع) بیشتر از شاخصه‌های فرد انتخاب شده به عنوان قاضی سخن می‌راند، به طوری که سفارش می‌کند قاضی از میان برترین افراد باید انتخاب شود. شخصی که مراجعه فراوان مردم او را خسته نکرده، برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نساخته، در استنباط‌هایش پافشاری نکند، در شناخت مطالب با تحقیق اندک رضایت ندهد، کسی که ستایش فراوان او را فریب نداده و چرب‌زبانی او را منحرف نسازد. امام علی (ع) پیرامون رسیدگی به معاش او می‌نویسد: پس از انتخاب قاضی هر چه بیشتر در قضاوت او بیندیش و آنقدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد. از نظر مقام و منزلت آن قدر او را گرامی دار که نزدیکان تو در او طمع نکنند تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشند. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳)

۶. شیوه انتخاب مدیران و برخورد با آنان

از آنجایی که مدیران اجرایی رکن اصلی دولت هستند امام علی (ع) شاخص‌هایی را برای این گروه تبیین می‌کند. به نظر ایشان کارگزاران دولتی باید از میان: الف. مردم با تجربه، ب. افرادی با خاندانی پاکیزه و با تقوی انتخاب شوند. (مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹، ۱۲۱/۳) امام علی (ع) ادامه می‌دهد: برای جلوگیری از خیانت

این قشر از ارکان حکومت باید به آنان حقوق کافی داده شود. زیرا کارگزاران وقتی بی‌نیاز باشند دست به اموال بیت المال نمی‌زنند. ضمناً اتمام حاجتی بر آنان است که اگر فرمان حاکم را نپذیرند یا در امانت او خیانت کنند، در آن صورت دولت مرکزی می‌تواند بدون آنکه او عذری داشته باشد به حساب وی رسیدگی نماید. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳) اما طاهر هرگز به شرایط فردی و خانوادگی توجهی نمی‌کند و فقط می‌گوید: در هنگام دستوردهی به کارگزاران، درباره نتیجه‌ای که از آن منظور داری بیندیش که اگر آن را قرین سلامت و عافیت دیدی و امید نیکی و خیر از آن داشتی آن را به انجام بیر و گرنه از آن دست بدار و با مردم روشن‌بین و دانا مشورت کن. آنگاه لوازم آن را فراهم آر. (طبری، بی تا، ۵۷۰۱/۶) گرچه هر دو درباره‌ی بازرسی کار کارگزاران اشتراک نظر دارند و می‌گویند: جاسوسانی بر آن‌ها گماشته شود تا پنهانی مراقب رفتار و کردار آنان باشند. (همانجا؛ سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳)

امام علی (ع) درباره شیوه برخورد با عاملان خیانت‌کار می‌نویسد: اگر یکی از آنان خیانت کرد و گزارش جاسوسان آنرا تأیید کرد به همین مقدار گواهی قناعت کن و او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال در اختیار دارد از او بازپس گیر، سپس او را خوار دار و خیانت‌کار بشمار و طوق بدنامی برگردنش بیفکن. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳) این چیزی است که امیر عباسی اصلاً به آن اشاره‌ای ندارد.

۷. مالیات و تأثیر آن در کشور

در هر دو نامه مشاهده می‌شود که نویسندگان مالیات را مایه غیرت و رفعت اسلام و اصلاح امور اقشار جامعه می‌دانند و خواهان آن هستند که از مردم بیش از توان آن‌ها خراج و مالیات دریافت نشود. (همانجا؛ طبری، بی تا، ۵۷۰۱/۶) ولی آنچه در بیان امام علی (ع) با دقت بیشتری بدان توجه شده تلاش در جهت آبادی مزارع کشاورزی است. زیرا آن حضرت خطاب به مالک می‌فرماید: باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن‌کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به‌دست آورد، شهر را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد. تأکید روانشناختی‌ای که آن حضرت درباره آبادانی دارد آن است که عمران و آبادانی قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند و برعکس آن، ویرانی

زمین موجب تنگدستی کشاورزان شده و فقر کشاورزان به جهت غارت اموال آنان از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومت‌شان اعتمادی ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند. به همین دلیل امام علی (ع) سفارش می‌کند در صورتی که مردم از سنگینی مالیات و مشکلات کشاورزی‌شان شکایت کردند در امر مالیات آن‌ها تخفیف داده شده و هرگز تخفیف دادن در خراج او را نگران نسازد. زیرا آن اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرها و آراستگی ولایت نقش دارند. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳) این همان چیزی است که ذوالیمینین به فرزندش خطاب می‌کند: اگر مال‌ها فزونی یافته و در خزینه‌ها ذخیره شود ثمر نهد ولی اگر در بهبود رعیت و اعطای حقوق و رفع حاجت‌شان به کار رود نمو کنند و عامه به کمک آن‌ها بها یابند و ولایت‌مداران از آن رونق گیرند و روزگاران بدان خوش شود و مایه عزت و مناعت شود. او نتیجه می‌گیرد که گنج خزینه‌های تو، بخشش مال در عمران اسلام و مسلمانان باشد. گرچه به علت موقعیتی که عبدالله دارد ظاهر سفارش می‌کند برای اینکه از خطر دوستان خلیفه در امان بماند حق دوستان خلیفه به کفایت داده شود. به نظر ظاهر نتیجه این کار آن خواهد شد که جماعت مردم به سبب شمول احسان و عدالت، مطیع تو شوند و هرچه به آن‌ها دستور دهی با خوش‌دلی بپذیرند. (طبری، بی تا، ۶/۶۷۹۷)

۸. بررسی امور نویسندگان و منشیان

امام علی (ع) خطاب به مالک معتقد است: که منشیان از میان کسانی انتخاب شوند که احترام به آن‌ها باعث سرکشی و تجاوز آن‌ها نشود و آنان قدر و منزلت خود را بشناسند و در حضور دیگران با تو مخالفت نکنند و در انجام قراردادها سستی نورزند و در بر هم زدن قراردادی که به زیان توست کوتاهی نکنند. آن جناب سفارش می‌کند در انتخاب آنان باید دقت شود و فقط به تیزهوشی و خوش باوریشان نباید تکیه کرد. چون افراد، با ظاهرسازی و خوش‌خدمتی نظر زمامداران را به خود جلب می‌کنند. بلکه باید آنان را به خدماتی که به زمامداران پیشین انجام داده‌اند مورد آزمایش قرار داد. زیرا به قول امام علی (ع)، هرگاه در کار نویسندگان و منشیان کمبودی وجود داشته باشد که تویی خبر باشی، خطرات آن دامنگیر تو خواهد شد. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳)

امام علی (ع) از چگونگی کار با منشیان مطلبی نمی آورد. ولی طاهر گرچه از شاخص های گزینش چیزی بیان نمی کند اما درباره کار با آنها نکته ظریفی خطاب به حاکم مصر ایراد می دارد که: عاملان و دبیران خویش را که می توانی، از نزدیک بنگر و برای هر یکی از آنان در هر روز وقتی را معین کن که با نامه ها و گفتگوهای خویش و حوائج عاملان و امور ولایت ها و رعیت پیش تو آیند؛ آنگاه با گوش و چشم و فهم و عقل خویش بدان پرداز و مکرر در آن بیندیش و تأمل کن و آنچه را موافق دوراندیشی و خرد است به سر بر، و از خدا درباره آن خبر جوی و هرچه را مخالف آن بود برای تحقیق و پرسش درباره آن پس فرست. (طبری، بی تا، ۶/۵۷۰۴)

آنچه در نامه امام علی (ع) پیداست این است که آن حضرت بیشتر به جنبه های شخصی و توانایی های منشیان تکیه دارد. ولی طاهر به توانایی حاکم در اداره کردن آنان تأکید می ورزد.

در نامه طاهر از موضوع بازرگانان و تجار به شدت غفلت شده در حالی که امام علی (ع) بخش مهمی از نامه خود را به بازرگانان اختصاص داده و به عامل خود پیرامون آنان سفارش می کند. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳)

۹. رسیدگی به محرومان وسیله ای جهت نزدیکی به خداوند

یکی از مواردی که نویسنده هر دو نامه بر آن تأکید فراوانی دارند رسیدگی به محرومان و نیازمندان است. در این بخش موارد مشابهی دیده می شود، از جمله آنکه خداوند حقی از بیت المال را به مستمندان اختصاص داده است و دیگر اینکه باید افرادی امین، خداترس و فروتن بر آنان گمارده شوند تا موضوعشان را پی گیری نموده و به والی گزارش دهند. طاهر برای رسیدگی به نیازمندان پیشنهادهای دارد از جمله آنکه برای آنان خانه ای ساخته شود که در آن زندگی کنند و بیمارستان و طبیبانی که رایگان آنان را معالجه نمایند. امام علی (ع) با ظرافت بیشتری به موضوع نیازمندان می پردازد و معتقد است که والی بخشی از وقت خود را به آنان اختصاص دهد. حتی آن حضرت پیشنهاد می کند که حاکم در مجالس عمومی آنان شرکت کند و سربازان و یاران و نگهبانان خود را که معمولاً مانعی برای رسیدن حرف و درد دلشان به حاکم هستند از مسیر برداشته تا بتوانند به راحتی به حاکم دست داشته و مشکلات خود را بدون اضطراب بیان کنند. او

از مالک می‌خواهد که بخشی از بیت المال و مقداری از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص دهد به‌ویژه امور کسانی را بیشتر رسیدگی کند که از کوچکی به چشم نمی‌آیند. (همانجا) نکته قابل توجهی که در هر دو نامه مشاهده می‌شود آن است که، ممکن است این مطلب باعث شود آنان حتی شکری از فرمانروا نکنند و حتی سخنی درشت ادا نمایند که والی باید با آنان در هر حالت با مدارا رفتار کند چون این امر باعث قرب و نزدیکی به خداوند می‌شود. (همانجا؛ طبری، بی تا، ۶/۵۷۰۳)

در هر دو نامه علاوه بر شیوه برخورد با مردم، تأکیداتی به شیوه مدیریت در جامعه شده که در این موارد شباهت‌های زیادی پیداست. از جمله آنکه در هر دو سفارش شده که برخی از کارها را باید خود حاکم انجام دهد، چرا که منشیان در پاسخ دادن برخی نامه‌ها نمی‌توانند پاسخگو باشند. دوم اینکه هر کاری در همان روز با دقت انجام داده شود و کار امروز به فردا سپرده نشود. زیرا که فردا می‌بایست کار دو روز انجام شود که این امر فرد را چنان مشغول می‌کند که از انجام آن باز می‌ماند. سوم آنکه در هر دو نامه تأکید گردیده زمامداران نباید خود را از مردم پوشیده دارند. (طبری، بی تا، ۶/۵۷۰۳؛ سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳) به‌ویژه اینکه طاهر تأکید دارد که عبدالله مردم را بسیار بپذیرد و چهره خود را به آنان نشان دهد و کشیک‌بانان خود را از مردم دور و با تواضع با آنان خوش‌رویی و در پرسش و گفتار با آنان نرمی کند. (همانجا) امام علی (ع) یکی از آفت‌های پنهان شدن از رعیت را آن می‌داند که، مردم وقتی از حاکم فاصله داشته باشند کار بزرگ را کوچک و کار کوچک را بزرگ جلوه می‌دهند. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳) گرچه هر دو اندرزدهنده سفارش می‌کنند که فرمانروا بخشی از ایام شبانه روز خود را به عبادت خداوند اختصاص دهد و نماز جماعت را با مردم بخواند. (همانجا؛ طبری، بی تا، ۶/۵۶۹۳)

۱۰. چگونگی برخورد با خویشان سودجو

یکی از مواردی که به وجهه رهبری لطمه وارد می‌سازد وجود خویشان سودجو و چپاولگرند که از فرصت جهت منافع خود بهره می‌برند. امام

علی (ع) ضمن بیان رفتار نزدیکان یادآوری می‌نمایند که، همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خود خواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند. وی از مالک می‌خواهد تا ریشه ستمکاری‌شان را با بریدن اسباب آن بخشکاند و به هیچ‌کدام از آن‌ها زمینی را واگذار نکند و به‌گونه‌ای با آنان رفتار نماید که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند. زیرا در آن صورت سودش برای آنان و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای زمامدار خواهد بود. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳) این درحالی است که طاهر در نامه‌اش بر خلاف آن حضرت تأکید ویژه‌ای به رعایت حال خویشان خود و بنی عباس دارد. (طبری، بی تا، ۵۶۹۶/۶) که البته این نشان از وسعت تسلط خاندان طاهری بر سرزمین‌های اسلامی در عصر مأمون دارد.

۱۱. تأکید بر انجام کارها فقط در جهت رضایت خداوند

امام علی (ع) تأکید دارد کارها باید صرفاً برای رضایت خداوند باشد. فرمانروا باید از هرگونه خودپسندی دوری کند. زیرا خودپسندی بهترین فرصت را به شیطان داده تا در درون دل نفوذ کند و کردار نیک نیکوکاران را نابود سازد. همچنین ایشان تأکید می‌ورزند که حاکم برای انجام اقدامات خود نباید بر مردم منت بگذارد. زیرا منت نهادن پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳) این همان چیزی است که طاهر خطاب به پسرش بر آن تأکید می‌کند چون بخشش کنی، خوشدل و آسان‌بخش باش نه جویای عوض و پاداش و دلگیر و منت‌گذار که بخشش بدین ترتیب تجارتهای سود آور است. (طبری، بی تا، ۵۷۰۴/۶)

۱۲. مطالعه پیشینیان

در متن نامه‌ی هردو بزرگوار تأکید ویژه‌ای به مطالعه حکومت‌های پیشین شده امام علی (ع) می‌خواهد که مالک به‌ویژه از حکومت‌های دادگستر، سنت‌های باارزش گذشتگان، آثار پیامبر (ص) و واجباتی که در کتاب خدا آمده است درس گیرد. (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳) طاهر ضمن مطالعه آثار گذشتگان در بررسی مشکلات

پسرش را به قرآن و احادیث پیامبر (ص) سفارش می‌کند. گرچه او تأکید ویژه‌ای بر فراگیری علم فقه به فرزندش دارد. زیرا به نظر او فقه زینت مرد است. طلب، ترویج و معرفت آن باعث تقرب به خدا می‌شود. از نظر او فقه راهنمای همه نیکی‌هاست و آمر آن منع‌کننده از همه بدیها و معاصی و باعث افزایش معرفت خداوند است و به هنگام معاد مراتب بالا به دست می‌آید. (طبری، بی تا، ۵۶۹۴/۶) یادآوری می‌نماید که فقه در صدر اسلام هنوز به عنوان يك علم مطرح نبوده شاید بدین دلیل امام علی (ع) اشاره ای بر آن نداشته است. در پایان هر دو نامه برای هر دو فرد آرزوی توفیق و موفقیت از سوی خداوند بزرگ شده است.

نتیجه گیری

۱. در این دو نامه تفاوت دیدگاه دو نوع شیوه و آداب ملک‌داری حکومت‌های علویان و عباسیان به وضوح مشخص است.
۲. دستورنامه‌ی امام علی (ع) از استحکام، درایت و جامعیت بیشتری برخوردار است.
۳. امام علی (ع) به کارگزار خود اختیارات بیشتری می‌دهد تا آنجا که می‌فرماید: به مردم نگویند به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم. پس باید اطاعت شود که اینگونه خودبزرگ‌بینی دل را فاسد و دین را پژمرده و موجب زوال نعمت است. ولی در نامه طاهر به عبدالله این مطلب هرگز بیان نشده است. استاندار مصر خود را مجبور به اطاعت محض از فرامین خلیفه می‌داند و مجبور است آنچه خلیفه فرمان داده بی چون و چرا انجام دهد.
۴. نامه امام علی (ع) نشان از اطلاعات شگرف آن حضرت از جامعه به‌ویژه طبقات اجتماعی دارد. آن‌طور که از مالک می‌خواهد به هریک از قشرها توجه خاص خود را مبذول کند. این در حالی است که، در نامه‌ی حاکم خراسان به هیچ‌کدام از طبقات اجتماعی توجه نشده است.
۵. در نامه نماینده عباسی پیرامون شاخصه‌های انتخاب مدیران، فرماندهان نظامی و قضات چیزی نیامده و گاه اختلافات چشمگیری در نوع نگاه دو تفکر به ارکان حکومتی است. مثلاً وی رسیدگی به حال سربازان را فقط برای اطاعت بی چون و چرای آن‌ها از خلیفه می‌داند. اما امام علی (ع) به نیروهای نظامی هویتی مستقل و

معنوی می‌بخشد، چنان‌که به این علت او از زمامدار می‌خواهد که به آنان رسیدگی شود که آن‌ها لشگریان خدا، پناهگاه رعیت و زینت زمامدارانند.

۶. مولای مومنان (ع) از مالک اشتر می‌خواهد که مواظب خویشاوندان سودجو خود و خلیفه باشد و مانع چپاول بیت المال از طرف آنان شود. ولی طاهر تأکید مضاعف به رعایت حال و رسیدگی به امور مالی خویشاوندان به خصوص نزدیکان خلیفه دارد. بی‌خود نبوده است که مأمون زمانی که به متن نامه‌ی طاهر دست‌یافت گفت: ابوطیب (طاهر) هیچ‌یک از امور دنیا و دین... و حفظ سلطان و اطاعت از خلفا و تحکیم خلافت را فرو نگذاشته است. (ابن خلدون، ۱۳۴۵، مقدمه، ۶۰۷)

منابع

قرآن کریم.

ابن ابی الحدید، شرح ابن ابی الحدید، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، بی‌تا.
ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵ ش.

— مقدمه ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵ ش.
ابن طیفور، بغداد فی تاریخ الخلفاء العباسیه، بغداد، مکتبه المثنی، ۱۹۶۸ م.
اکبری، امیر، تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام، مشهد و تهران، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۴ ش.
ثقفی، ابواسحق ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق: جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.
دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیر المومنین، ۱۳۸۲ ش.
ذاکری، علی اکبر، سیمای کارگزاران علی ابن ابی طالب امیر المومنین (ع)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه، ۱۳۷۵ ش.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، بی‌جا، اساطیر، بی‌تا.
طقوش، محمد سهیل، دولت عباسیان، ترجمه: حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
گمنام، تاریخ سیستان، ویرایش: جعفر مدرس صادقی، تهران، سعدی، ۱۳۷۳ ش.
گمنام، المنتظم فی تواریخ الملوک والامم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
لسان الملک سپهر، محمد تقی، ناسخ التواریخ، تصحیح: محمد باقر بهبودی، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۶ ق.
مهدوی دامغانی، محمود، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، تهران، نی، ۱۳۷۹ ش.